

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۲۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ (ص ۸۱-۱۰۵)

مبانی حل تعارض در روابط بین فردی مبتنی بر اندیشه اسلامی

Foundations of Conflict Resolution in Interpersonal Relationships Based on Islamic Thought

محمد تقی عابدی / کارشناسی ارشد روانشناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.

حمید رفیعی هنر / استادیار گروه تربیت، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

رحیم میردریکوندی / استادیار گروه روانشناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، قم، ایران.

Mohammad Taghi Abedi / Masters in Psychology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.
m.ermia0014@gmail.com

Hamid Rafi'i Honar / Assistant Professor at the Department of Education, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
Hamidrafi2@gmail.com

Rahim Mirderikvandi / Assistant Professor at the Department of Psychology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran.
mirderikvandi@qabas.net

Abstract

According to this study, individuals who use constructive conflict resolution strategies in interpersonal relationships have higher psychological health. Researcher Fundamental beliefs play a significant role in designing an effective model of conflict resolution styles. constructing a model of conflict resolution in interpersonal relationships is effective when it is based on Islamic foundations. This study aimed to identify the foundations of conflict resolution using two methods: linguistic semantic and qualitative content analysis. By forming the semantic domain of conflict in interpersonal relationships, 23 initial concepts were identified. In the data collection phase, Shiite Islamic traditions were examined through purposive sampling and based on the saturation principle. The data were screened using the criteria of weak books and lack of conceptual relevance. The final

چکیده

بر اساس پژوهش ها، افرادی که از شیوه حل تعارض سازنده در روابط بین فردی استفاده می کنند از سلامت روان شناختی بالاتری برخوردارند. باور بنیادین محقق در طراحی الگویی از سبک های حل تعارض مؤثر است. ترسیم الگوی حل تعارض در روابط بین فردی، زمانی کارآمد است که بر اساس مبانی اسلامی باشد. این پژوهش باهدف شناسایی مبانی حل تعارض با استفاده از دو روش معناشناسی زبان و تحلیل محتوای کیفی انجام شد. با تشکیل حوزه معنایی تعارض در روابط بین فردی، ۲۳ مفهوم اولیه شناسایی شد. در مرحله جمع آوری مستندات، روایات با استفاده از نمونه گیری هدفمند و بر اساس اصل اشباع مورد بررسی قرار گرفت. داده ها با دو معیار ضعف کتب و عدم ارتباط مفهومی غربال شدند. تحلیل

analysis of traditions was conducted using the qualitative content analysis method by Hsieh and Shannon (2005), employing three stages of open, axial, and selective coding. findings showed that, in order to construct a model of conflict resolution based on Islamic thought, it is necessary to consider internal foundations (possibility and resolution of conflict, conflicting tendencies, self-love, failure to meet all needs, self-control, rights-orientedness, and seeking the will of Allah) and external foundations (preserving interpersonal coherence, individual differences, desirability of reconciliation, and Hereafterism).

Keyword: conflict resolution, foundations, interpersonal relationships, content analysis, Islamic psychology

نهایی روایات با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی سیه و شانون (۲۰۰۵) به شیوه تحلیل محتوای قراردادی و سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برای ساخت الگویی با سبک‌های حل تعارض مبتنی بر اندیشه اسلامی ضروری است بر اساس مبانی درونی (امکان وقوع تعارض و حل آن، گرایش‌های متعارض، حب ذات، عدم تأمین همه نیازها، خودمهارگری، حق‌مداری و خواست خدا) و مبانی بیرونی (حفظ انسجام بین فردی، تفاوت‌های فردی، مطلوبیت صلح، آخرت‌گرایی) باشد.

کلیدواژه‌ها: حل تعارض، مبانی، روابط بین فردی، تحلیل محتوا، روانشناسی اسلامی، اندیشه اسلامی.

مقدمه

در جهان امروزی، استرس^۱ واقعیتی غیرقابل انکار در زندگی بشر است و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پیدایش بیماری‌ها شناخته می‌شود. «سلیه»^۲ (۱۹۸۲) معتقد است که استرس، نشانه ناسازگاری عمومی است و واکنش‌های نامعین روانی فیزیولوژیکی است که به‌وسیله تغییرات آزارنده زندگی ایجاد شده‌اند (۴۷). استرس به دلیل تأثیراتش بر روی ذهن و بدن، می‌تواند به‌صورت مستقیم به اختلالات روانی و فیزیولوژیکی و بیماری‌ها منجر شود و بر سلامت روان، جسم و کیفیت زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. (APA، ۲۰۱۳، ص ۲۵۶).

برخی از تعاریف استرس مبتنی بر منابع ایجادکننده یا سبک‌های مقابله استرس هستند. در تعریف فولکمن و موسکوویتز^۳ (۲۰۰۴) منابع تنش‌زا، وقایع و موقعیت‌های بیرونی

1. stress.

2. Selye, H.

3. Folkman & moskowitz

تلقی شده‌اند. درحالی‌که روانشناسان پیرو اصالت وجود (یالوم، ۱۹۸۱) منابع ایجادکننده استرس را به درون انسان نسبت می‌دهند (یاری فرد و پرند، ۱۳۸۶، ص ۱۳ و ۱۴). تغییرات در زندگی، ناکامی‌ها، انتظارات محیط و تعارض‌ها از جمله منابعی هستند که استرس را تقویت می‌کنند. برای مهار استرس یا سازگار شدن با آن باید این منابع استرس از جمله تعارض^۱ کنترل شود تا سلامت روانی افراد در جامعه دچار اختلال نشود. سلامت روان شناختی متأثر از عوامل مختلفی است که این عوامل به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، به صورت مثبت یا منفی بر آن اثر می‌گذارند. یکی از این عوامل تأثیرگذار، تعارض است که تأثیر بسزایی بر سلامت افراد دارد (باباپور، ۱۳۸۵، ص ۳۱).

تعارض در لغت به معنی خلاف، قتال، صراع، معرکه، تضارب، تلاطم المواجه (بعلبکی، ۲۰۰۵)، باهم اختلاف داشتن، متعرض یکدیگر شدن، خلاف یکدیگر آمدن خبر و خلاف یکدیگر ورزیدن است (دهخدا، ۱۳۳۷، ص ۷۵۱). تعارض، فرایندی است که طرفین متوجه می‌شوند که علاقه‌ها و موضوعاتشان با گروه دیگر مغایر است و یا به‌گونه‌ای منفی تحت تأثیر آن قرار دارد (اسلوکوم و هلریگل، ۲۰۱۲، ص ۴۸). تعارض ممکن است به‌عنوان رخدادی هم‌ستیزانه یا وقایع متخاصم در حوزه رفتارها، تمایلات، نگرش‌ها و احساسات تعریف شود (APA، ۲۰۱۳، ص ۱۱۲).

محققان مختلف در زمینه‌های مختلف تعارض و مضامین آن تحقیق کرده‌اند؛ اما پرواضح است که هیچ توافق نظری در مورد یک تعریف مشترک وجود ندارد (توماس، ۱۹۹۲، ص ۲۶۹). تعارض، دامنه وسیعی دارد و هرگونه عدم توافق میان دو یا چند نفر، گروه یا سازمان (گریفین، ۱۹۹۶، ص ۵۸۲)، ادراک تفاوت منافع (تامپسون، ۱۹۸۸، ص ۴)، مقابله آشکار (واگنر، ۲۰۱۲، ص ۱۸۰) چه منجر به کشمکش و رفتار آشکار شود یا نشود را شامل می‌شود (رحیم، ۲۰۰۱، ص ۱۱).

شمرهورن^۲ و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند تعارض یا اساسی است یا احساسی^۳ (ص ۲۳۲)؛ اما هلریگل و اسلوکوم^۴ (۲۰۱۰) تعارض را بر اساس طرفین درگیر به پنج دسته

-
- 1..conflict
 2. Schermerhorn, J.
 3. substantive and emotional conflict.
 4. Hellriegel D, Slocum, J.

تقسیم می‌کند: تعارض درون‌فردی^۱، تعارض میان‌فردی^۲، تعارض درون‌گروهی^۳، تعارض بین‌گروهی^۴، تعارض بین‌سازمانی (۳۸۸).

تعارض در حوزه روابط بین‌فردی به اختلاف و اصطکاک‌هایی اشاره دارد که اعمال و عقاید یک یا چند نفر برای دیگران قابل‌غیرقابل‌پذیرش بوده و مورد مقاومت قرار گرفته باشد (APA، ۲۰۱۳، ص ۱۱۲). بنابراین، تعارض بین‌فردی به اختلاف یا ناهماهنگی بین افراد با توجه به اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌های آنان اشاره دارد (همان، ص ۳۰۸).

تعارض بین‌فردی زمانی رخ می‌دهد که دو یا چند نفر درک می‌کنند که نگرش‌ها، رفتار یا اهداف ترجیحی آن‌ها در تضاد است (هلریگل و اسلوکهوم، ۲۰۱۰، ص ۳۸۶). تعارض میان‌فردی، تعارضی است که در زمینه‌های مختلف کاری و یا ارزشی و ادراکی میان افراد به وجود می‌آید. حل تعارض میان‌فردی شامل تطبیق اهداف فردی و انتظارات با نیازها و تقاضا برای بهینه‌سازی دستیابی به اهداف است (رحیم، ۲۰۰۱، ص ۱۰۴).

درحالی‌که کارشناسان اولیه مانند تیلور^۵ تمام تعارضات را تهدیدی برای اقتدار افراد می‌دانستند و از آن‌ها اجتناب می‌کردند؛ اما اندیشمندان نظریه روابط انسانی^۶ معتقد بودند وجود تعارض بین افراد یک امر طبیعی است و باید این موجودیت را بپذیریم و نمی‌توان آن را حذف کرد. در نگاه تئوری تعاملی^۷ وظیفه افراد حذف یا حل کردن تمامی تعارض‌های موجود نیست؛ بلکه افراد باید بتوانند به نحو مطلوبی تعارض را مدیریت و حل کنند. این حل تعارض به این معناست که جنبه‌های منفی را به حداقل برسانند و جنبه‌های مثبت آن را افزایش دهند. بنابراین ممکن است افراد حتی اقدام به تحریک برای ایجاد تعارض در موقعیت‌هایی کنند که عدم تعارض احتمالاً مانع ابتکار آن‌هاست (کرین، ۲۰۱۱، ص ۳۷۵).

تعارض، به خودی خود بد و زیان‌بخش نیست. اختلاف نظر و تعارض در درون انسان و ارتباط‌های او امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است که به دلیل منحصربه‌فرد بودن هر انسانی به وجود می‌آید. اگر در حل تعارضات خود موفق بشوید، روابط بین‌فردی شما نیز

1. Intrapersonal conflict.
2. Interpersonal conflict.
3. Intergroup Conflict.
4. Intragroup conflict.
5. Frederick W Taylor.
6. human relations view of conflict.
7. Interactionist view of conflict.

بهبود خواهد یافت. نتیجه این پیشرفت، کاهش تعداد فشارزاهایی خواهد بود که به شما تحمیل شده است. هر چه کاهش تعارضات کمتر طول بکشد، فشار کمتری احساس می‌کنید و تندرست خواهید بود (گرینبرگ، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷).

با توجه به نتایج پژوهش باباپور (۱۳۸۵)، دانشجویانی که از شیوه حل تعارض سازنده استفاده می‌کنند، از میزان سلامت روان شناختی بالاتری برخوردار می‌باشند (ص ۲۷). حل تعارض ممکن است به نظر ساده باشد؛ اما آنچه وضعیت را پیچیده می‌کند، معمولاً بی‌توجهی، تلاش برای غلبه بر شرایط، ناتوانی در ایجاد تفاهم با موقعیت تعارض زا و عدم انعطاف‌پذیری است که مانع در نظر گرفتن راه‌حل‌های دیگر می‌شود (گرینبرگ، ۱۳۸۷، ص ۱۵۸).

دین و آموزه‌های آن در افراد نوعی نگرش و طرز تلقی به وجود می‌آورد که اندیشه‌های بنیادین او را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که اثر آن در تفکر و رفتار او آشکار می‌شود (بشیری، ۱۳۹۸، ص ۱۱۶). سیر تحول روانشناسی نشان می‌دهد که دین، افزون بر پیوستگی کارکردی با روانشناسی، به‌عنوان مهم‌ترین زمینه تأثیرگذار در شکل‌گیری این علم نیز است؛ اما بی‌توجهی در برخی موارد سبب شده تا در کشورهای اسلامی جنبشی در پر طراحی روانشناسی مبتنی بر مبانی اسلامی شکل گیرد. از منظر محققینی که برای طراحی روانشناسی اسلامی تلاش می‌کنند، این روانشناسی باید مبتنی بر اندیشه‌های حقیقی باشد که در اسلام بیان شده است (آذربایجانی، ۱۳۹۵، ص ۵۷۶). نتایج پژوهش عسگری و صفرزاده (۱۳۹۳) نشان می‌دهد با افزایش اعتقادات مذهبی میزان استفاده از راهکارهای حل تعارض نیز افزایش می‌یابد (۹۱).

تعیین مبانی علاوه بر وجوه و ابعاد آن موضوع، اثر مستقیمی بر تعیین این دانش انسانی خواهد داشت. به‌عنوان نمونه؛ نفی ماوراءالطبیعه و متافیزیک و نهی از بحث در مورد علل و جوهر اشیاء به‌عنوان یک اصل هستی‌شناسان از سوی جان لاک و دیگران، زمینه را برای توجه مضاعف به فیزیک و فیزیولوژی و در نتیجه تأثیر بر روش تحقیق در روانشناسی پدید آورد (شکرشکن و همکاران، ۱۳۹۲، ۱، ص ۲۹) و همچنین فروکاست کنش‌های ذهنی به‌عنوان کنش‌های مغزی نخاعی، زمینه تأکید بر عینیت‌های محسوس و ملموس را در روانشناسی معاصر فراهم نمود (همان، ص ۳۳). تعیین مبانی حل تعارض علاوه بر وجوه ابعاد حل تعارض، اثر مستقیمی بر تعیین سبک‌های حل تعارض خواهد داشت. اسلام می‌تواند مبانی متفاوت و در نتیجه بناهای متفاوتی را ایجاد کند.

بنابراین مراد از مبانی حل تعارض، اندیشه‌های بنیادینی است که روانشناس درباره جهان هستی، خدا، انسان، ارزش‌ها و روش‌ها، به‌عنوان باور قطعی در مورد موضوعی پذیرفته و در چهارچوب آن‌ها به بررسی موضوع پژوهش می‌پردازد؛ واقعیت‌هایی که نحوه طرح سؤال پژوهشی، گستره نظریه‌پردازی، ابعاد، هدف و روش بررسی یک موضوع را برای روانشناس مشخص می‌کنند.

روش تحقیق

این پژوهش در لحاظ هدف بنیادی و از منظر رویکرد، مشتمل بر دو روش معناشناسی زبانی در مرحله جمع‌آوری مفاهیم مشیر به تعارض در اندیشه اسلامی و روش کیفی تحلیل محتوا و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استفاده شده است.

نظریه حوزه‌های معنایی بیانگر یک نوع طراحی انسجام‌یافته از نظام مفاهیم واژگانی زبان است. این نظریه بر اساس استدلالی استوار است که اشتراک در یک ویژگی می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه معنایی باشد؛ به عبارت دیگر، واژه‌هایی که ویژگی‌های مشابهی را به ارث می‌برند، در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳). هدف از بررسی و تحلیل حوزه معنایی گردآوری تمام واژگانی است که به حوزه مشخصی اختصاص دارد (لطفی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۶). با تشکیل حوزه معنایی تعارض در لغت و اندیشه اسلامی، ۳۰ مفهوم اولیه مشیر به حل تعارض در روابط بین فردی شناسایی شد که ۲۷ مفهوم شامل صراع، اختلاف، مناوشه، تنازع، تناقض، معارضه، تنافر، عداوت، مشاجره، اعراض، مجادله، شقاق، خصومت، تضاد، مرأ، محاجه، منافسه، نشوز، تضارب، معارکه، مقاتله، صدور و تعارض تأیید شد.

در مرحله بعدی به جمع‌آوری مستندات به واسطه مفاهیم بیست‌وسه‌گانه پرداخته شد که منابع بر اساس معیار ضعف کتاب و عدم ارتباط مفهومی غربال شدند. پس از گردآوری روایات برگزیده، برای تحلیل روایت از روش تحلیل محتوای^۱ کیفی سیه و شانون (۲۰۰۵) به شیوه تحلیل محتوای عرفی و قراردادی استفاده شد. از منظر سیه و شانون (۲۰۰۵) تحلیل محتوای عرفی معمولاً در طرحی مطالعاتی به کار می‌رود که هدف آن شرح یک پدیده است. این نوع طرح، اغلب هنگامی مناسب است که نظریه‌های موجود یا ادبیات تحقیق درباره

1. Qualitative Content Analysis.

پدیده مورد مطالعه محدود باشد. در این حالت پژوهشگران از به کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته^۱ می‌پرهیزند و در عوض، ترتیبی می‌دهند که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. در این پژوهش، تجزیه تحلیل اطلاعات با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز^۲، کدگذاری محوری^۳ و کدگذاری انتخابی^۴ انجام شده است.

در این پژوهش، جامعه متنی پژوهش شامل تمام جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات و روایات است که بر اساس طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۰، ص ۲۶) در منابع روایی به سطوح «الف» و «ب» و پیشینه‌ها تقسیم می‌شوند. نمونه‌گیری در این پژوهش از نوع هدفمند بود و مستندات قرآنی و روایی از راه نمونه‌گیری هدفمند^۵ انتخاب شدند؛ به طوری که غیر تصادفی^۶ بودند.

یافته‌ها

نوع نگاه به انسان در انتخاب روشی که برای مطالعه و کنش‌های او برگزیده می‌شود، تأثیر دارد؛ کسی که انسان را به مثابه ماشینی فرض می‌کند که فاقد اراده و اختیار است، آغاز و فرجامی برای او نیست و او را حیوانی لذت‌جو و رفاه‌طلب و مادی می‌داند، باکسی که انسان را دارای روح مجرد، اراده آزاد، کمال طلب، فضیلت‌جو و دارای آغاز و فرجام می‌داند، رویکردی متفاوت برای مطالعه رفتار و پدیده‌های روان‌شناختی انسان برمی‌گزیند (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۳۱۶). از دیدگاه اسلام، برای حل تعارضات نیاز به رعایت پارادایم‌های خاصی داریم. با توجه به پیچیدگی انسان، می‌توان بر اساس مبانی اسلامی، الگوهایی برای حل تعارضات را ترسیم کرد. در این راستا، از آموزه‌های اسلامی برای حل تعارضات می‌توان بهره گرفت و الگوهایی برای حل تعارضات بر پایه این آموزه‌ها تدوین کرد.

1. Preconcieved Categories.

2. Open Coding.

3. Axial Coding.

4. Selective Coding.

5. Purposive sampling.

6. Nonrandom.

الف- مبانی درونی

ارزش‌ها، انتظارات و نگرش‌های هر فردی در ایجاد تعارض و انتخاب سبک‌ها جهت خاتمه دادن تعارض مؤثر است. به عبارت دیگر؛ مبانی درونی فرد برای ارزیابی موقعیت‌ها و تفسیر رویدادها و برقراری روابط با دیگران تعیین‌کننده است. برای حل تعارض در روابط بین فردی، ابتدا باید این مبانی درونی را شناسایی کرده و درک کاملی از آن‌ها داشت.

۱- امکان وقوع تعارض و حل آن

اختلاف پدیده‌ای در زندگی اجتماعی بشر، همچون اختلاف سلیقه و ذوق، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. یکی از آیات قرآن کریم، خلقت آسمان‌ها و زمین است و آیه دیگری درباره اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های انسان‌ها اشاره دارد که در این مورد نیز ادله‌ای از صنعت و حکمت خدا برای دانشمندان عالم‌آشکار است^۱ (سوره روم، آیه ۲۲). اصولاً، ارزش و امتیاز انسان و مهم‌ترین تفاوت او با سایر موجودات، داشتن ذوق‌ها، سلیقه‌ها و اندیشه‌های گوناگون و متفاوت است که هرکدام بخشی از جامعه را تشکیل می‌دهد و ابعاد آن را تأمین می‌کند. از طرفی، تکثر سلیقه‌ها باعث بروز اختلاف و تعارض در جامعه خواهد شد که این نیز امری طبیعی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۳۲).

آنچه در قرآن کریم تحت عناوین نور و ظلمت، حق و باطل، خیر و شر یا عدل و ظلم آمده است و داستان‌های فراوانی مانند داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون، دقیانوس و اصحاب کهف و ... همه بیانگر وجود تعارضات در جهان و در برابر این تعارضات انسان بایستی چگونه رفتار کند، باشد. (میر کمالی، ۱۳۷۱، ص ۹).

تعارضات در جهان، ممکن است به دلیل تأثیر شیطان رخ دهد؛ همان‌طور که خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: شیطان آن‌ها را به لغزش افکند (تا از آن درخت خوردند) و (بدین عصیان) آنان را از آن مقام بیرون آورد و گفتیم که (از بهشت) فرود آید که برخی از شما برخی را دشمنید و شمارا در زمین تا روز مرگ قرارگاه و بهره خواهد بود^۲ (سوره بقره، آیه ۳۶). همچنین، برخی تعارضات به دلیل گناه و تقصیرات انسان‌ها رخ می‌دهد، همان‌طور که خداوند متعال در سوره مائده، آیه ۶۴ می‌فرماید: همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر

۱. وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلاف الّستتكم و الّوانكم إنّ في ذلك لآياتٍ لِّلْعَالَمِينَ.
 ۲. فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ط وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ.

و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آن‌ها برافروختیم، هرگاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت و آن‌ها بر روی زمین به فسادکاری می‌کوشند و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.^۱ این تعارضات ممکن است به شکل نزاعات و جنگ‌ها و فساد در جامعه پیامدهای منفی داشته باشند.

حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَام توسط خداوند متعال به سوی قوم خود فرستاده شد تا آن‌ها را به پرستش خداوند دعوت کند؛ اما پس از این بیان، مردم به دو گروه متخاصم تقسیم شدند^۲ (سوره نمل، آیه ۴۵). کلمه «اختصام» به معنای تخاصم و نزاع طرفینی است و اگر دو فرقه را با صفت جمع «یختصمون» توصیف کرد، باینکه جا داشت بفرماید: «فریقان یختصمان»، بدین جهت است که مراد از «فریقان»، تنها دو فریق معینی نیست؛ بلکه مراد از آن، مجموع امت است. لذا معنای آیه این‌گونه است که: ما به سوی قوم ثمود، برادر و فامیلشان صالح را فرستادیم و امید آن می‌رفت که بر ایمان به خدا اجتماع نموده و متفق گردند ولیکن برخلاف انتظار و به‌طور ناگهانی به دو فریق از هم جدا شدند، فریقی ایمان آورد و فریقی دیگر کفر ورزید، درباره حق باهم به نزاع و کشمکش پرداختند و هر فریقی می‌گفت حق با من است (طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۵، ص ۳۷۲).

در باب حل تعارض بین فردی، باید توجه داشت که نباید انتظار داشت که همه مردم منطق شمارا بپذیرند و نزاع میان حق و باطل دائمی است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۳۰). همچنین باید توجه داشت که از بین بردن تعارض و پیوند زدن قلوب افراد کار آسانی نیست و از بن برکندن کوه‌ها ساده‌تر است از ایجاد محبت در دل‌هایی که از هم تنفر دارند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۵، ص ۱۱). اساساً رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایجاد الفت بین دل‌هاست؛ اما خداوند تأکید دارد که ای پیامبر اگر همه آنچه بر روی زمین است را هزینه می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت اندازی؛ ولی خدا میان آنان الفت ایجاد کرد (سوره انفال، آیه ۶۳).

۱. مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ.

۲. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ.

۳. إزالة الرواسي أسهل من تأليف القلوب المتنافرة.

۲- وجود گرایش‌های متعارض

آموزه‌های اسلامی بیانگر آن است که انسان از دو اصل آفریده شده است: یک اصل مادی که از آب و گل است و دیگر یک روح الهی بسیار والا. این سر تضاد درونی انسان‌هاست که دسته‌ای تنها در پی گرایش‌های مادی، لذت، قدرت و ثروت‌اند و از در ناسپاسی با خداوند متعال وارد می‌شوند (سوره حج، آیه ۶۶)، عجول و شتاب‌زده‌اند (سوره اسراء، آیه ۱۱)، حریص و بخیل‌اند (سوره معارج، آیه ۱۹) و دسته‌ای مسجود فرشتگان (سوره بقره، آیه ۳۴)، امانت‌دار الهی (سوره احزاب، آیه ۷۲)، باکرامت و شرافت ذاتی و کسانی هستند که خداوند آنچه در زمین است را برای آنان آفریده است (سوره اسراء، آیه ۷). انگیزه‌های او را به سوی خصوصیات جهان مادی و عالم فرشتگان می‌کشاند؛ از یک سو خلق و خوی حیوانی و از سوی دیگر یک سرشت ملکوتی و روحانی دارد.

انسان دارای استعداد و قابلیت ترقی و پیشرفت به سمت «اعلیٰ علیین» است؛ اما اگر به سمت انحطاط و «أَسْفَلَ السَّافِلِينَ» حرکت کند، این قابلیت تبدیل به نوعی عمودیت زیستی خواهد شد. این ویژگی در انسان وجود دارد و ارزش بی‌حدی دارد؛ چراکه در برابر تمامی عوامل و انگیزه‌های انحطاط و مادیگری، خود را حفظ می‌کند. این ویژگی، برای انسان‌های پاک و منزه، ارزش بی‌حسابی دارد. اسلام گرایش‌های متضاد درون انسان را پذیرفته و این امر در تعارض بین فردی نیز وجود دارد. چنانچه در ناسازگاری ارضای نیاز من با نیاز فرد دیگر، تعارضی به وجود آید، انسان دچار تعارض خواهد شد. با داشتن چنین استعداد و قدرت و توانایی برای کمال، انسان می‌تواند در مقامی که در انتظار اوست و در سایه آن بر تمام مخلوقات برتری دارد، پایدار بماند. باین حال، سقوط انسان به‌گونه‌ای خواهد بود که به گفته قرآن، از چهارپایان پست‌تر شود: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» (سوره اعراف، آیه ۱۷۹).

۳- حب ذات

انسان در رفتار اختیاری خود همواره غایتی را دنبال می‌کند و غایت هر فعلی به فاعل آن برمی‌گردد. به این معنا که فاعل همیشه برای کمال خویش کار انجام می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۶۲، ص ۱۸۳). انسان به دنبال تلاش برای کمال خویش و به دست آوردن چیزهایی است که به دنبال آن‌هاست و همچنین از چیزهایی که مانع رسیدن به اهدافش و تحقق شخصیتش هستند، متنفر است. این اولویت می‌تواند لذت ظاهری مادی یا لذت معنوی

باشد. آموزه دین بیان می‌کند که انسان به دنبال بیشتر شدن خیر و نفع خود است و حب ذات و تمایل او به دستیابی به امور سودمند و جلب منفعی است که برایش مفید باشد.^۱ (سوره اعراف، آیه ۱۸۸).

انسان فطرتاً دارای حب ذات است (مصباح، ۱۳۸۶، ص ۸) و همه اعمالش بر اساس حب ذات است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، ص ۱۵۳). مصباح (۱۳۸۸) معتقد است که حب ذات ریشه همه غرایز انسان است و اصلاً انگیزه سیر و سلوک عرفانی و عمل به دستورات شرع هم حب ذات است؛ حتی کسانی که در راه خدا به شهادت می‌رسند، ناشی از حب ذات و علاقه به کمال خویش است (ص ۶۰).

این حب ذات، سبب خواهد شد تا انسان‌ها تأمین نیازهای خود را بر نیازهای دیگران مقدم شمرند. حتی تأمین نیازهای دیگران هم برای ارضای نیاز حب ذات خود انسان‌هاست. بشارت‌های بیشمار قرآن در مقام یادداشت اعمال نیک مؤمنان، همگی تصدیق‌کننده حب ذات انسان و منفعت‌طلبی اوست (سبحانی نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۲۳). انسان، سخت علاقه شدیدی به خیر دارد^۲ (سوره عادیات، آیه ۸)، طباطبایی (۱۳۹۰ ق) معتقد است خیر در آیه، مطلق خیر است؛ حب خیر، فطری هر انسانی است؛ به همین جهت وقتی زینت و مال دنیا را خیر خود می‌پندارد قهراً دلش مجذوب آن می‌شود و این شیفتگی یاد خدا را از دلش می‌برد (ج ۲، ص ۳۴۷).

۴- عدم تأمین همه نیازها

هر انسان در هرجایی با نیازهای اساسی یکسانی روبرو می‌شود. روش کسب غذا، ساختن محل اقامت، برقراری روابط دوستی و سایر نیازهای اساسی در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است؛ اما نیازهای اساسی در تمام انسان‌ها یکسان است (فیست، ۱۳۸۶، ص ۵۹۱). سنخ نیازها می‌تواند زیستی باشد مانند نیاز به تغذیه (سوره انبیا، آیه ۸ و ۳۰؛ سوره نحل، آیه ۱۴؛ سوره طور، آیه ۲۲)، یا نیاز به پوشاک و مسکن و زینت (سوره اعراف، آیه ۲۶؛ سوره نحل، آیه ۸۰ و ۸۱؛ سوره اعراف، آیه ۱۰ تا ۳۲)؛ اما بر اساس پژوهش اشرفی و میقانی (۱۳۹۹)، نیازهای اصلی انسان شامل نیاز به دین و ابعاد آن (مانند خداشناسی و معادشناسی)، نیاز به رشد

۱. وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ.

۲. وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ.

و تعالی، نیاز به پرستش و رعایت احکام و ارزش‌های الهی، زینت خواهی، کرامت طلبی، آرامش، شادی معنوی و محبت حقیقی است (ص ۵۵).

باید توجه داشت که با وجود سرای آخرت، قرار نیست همه نیازهای انسان در این دنیا ارضا شود و رزق و روزی انسان‌ها ممکن است متفاوت باشد (سوره زخرف، آیه ۳۲). گاهی انسان با تمام توانمندی‌هایش، برای تأمین نیازهای خود می‌ماند (سوره زمر، آیه ۸؛ سوره نمل، آیه ۶۲؛ سوره عنکبوت، آیه ۶۵). دنیا سرایی است که در آن بلا و گرفتاری‌های ناشناخته وجود دارد و زندگی در آن نکوهیده است. امنیت و آسایش در آن یافت نمی‌شود و دنیا سرای رنج و زحمت، آکنده از مصیبت‌ها و پیشامدهای ناگوار است (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴، ق، خطبه ۲۲۶ و ۱۹۱).

۵- خودمهارگری

حب ذات، به عنوان یکی از ارزش‌های اسلامی، از خودگرایی در روانشناسی متمایز می‌شود؛ زیرا از کمالاتی مانند حیات ابدی انسان و منافع غیرمادی نیز پوشیده است. انسان در حال تلاش برای رسیدن به لذت‌هاست؛ اما کمال هر یک از این لذت‌ها متفاوت است. بنابراین، انسان باید به دنبال تعیین راهنمایی برای حب ذات خود باشد که به سوی منافع مشروع و تأیید شده شرع و اخلاق هدایت شود (سبحانی نیا، ۱۳۹۳، ص ۲۲۴).

ریشه‌ای‌ترین رفتار انسان، حب ذاتش است؛ اما اگر انسان از خرد بهره‌مند باشد، هرگز آگاهانه رفتاری را که مطلقاً برای او زیان‌بار است انتخاب نخواهد کرد و به‌طورکلی این حق را ندارد (سبحانی نیا، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲). آموزه‌های اسلام، یک نیروی توانمند و عالی برای زندگی ارزشمند در درون انسان قرار دارد و این توانایی خودمهارگری نام دارد. خودمهارگری، افراد را قادر می‌سازد با مهار ارادی خود، بر روی ابعاد فردی و اجتماعی زندگی خود، کنترل داشته باشند (رفیعی هنز).

از نگاه اسلامی، تبعیت از هوای نفس نفی نشده است و در عوض، بر تبعیت از عقل تأکید شده است (سوره فرقان، آیه ۴۳؛ سوره قصص، آیه ۵۰؛ سوره نسا، آیه ۱۳۵). تعابیر متعددی از نفس در قرآن کریم آمده است و به تزکیه نفس توصیه شده است که نشانگر توجه به خودشناسی و مهار آن در برابر رفتارهای معارض باهدف است. در قرآن کریم، آیات متعددی در زمینه تقبیح دنیا و دنیاگرایی آمده است که افراد را به بازداري از تمثیلات و کشش‌های دنیایی وامی‌دارد. همچنین، در بخشی از آیات قرآن کریم، انسان به‌طورکلی از

تبعیت از وسوسه‌های شیطان منع شده است و شیوه مقابله با این خطوط شیطانی، چیزی جز خودشناسی و تقوا نیست (رفیعی هنر). در آموزه‌های اسلام، انسان‌ها به بازداری خود از انجام رفتارهای غیرقابل پذیرش و عمل بر طبق اعمال مورد درخواست الهی تشویق می‌شوند.

۶- لزوم حق مداری و خواست خدا

انسان در اندیشه دینی از منزلت بالایی برخوردار است. در این بینش، انسان به‌عنوان «خلیفه» (سوره بقره، آیه ۳) و صاحب استعداد حمل «امانت» (سوره احزاب، آیه ۷۲) شناخته می‌شود و دارای کرامت و شرافت ذاتی است (سوره اسراء، آیه ۷۰). با این ویژگی‌ها، اگر نزاع یا تعارضی بین شخص‌ها در مورد چیزی اتفاق افتاد، انسان باید آن را به خدا و رسولش ارجاع دهد^۱ (سوره نسا، آیه ۵۹). برای حل تعارضات، انسان ابتدا باید خواست خدا را در نظر بگیرد. حضرت علی علیه السلام دربارهٔ اختلاف با چند نفر از صحابه سرشناس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کار من با شما یکی نیست. من شما را برای کارهای خدایی می‌خواهم و شما مرا برای منافع خود می‌خواهید. ای مردم، مرا یاری کنید، هرچند خلاف میل شما باشد.» (خطبه ۱۳۶). توجه به خواست خدا باعث می‌شود که پندار و گفتار پیروان، یاران و همراهان، حصار نگشته و آدمی را از طریق صیب و صوت و شهرت اسیر نکند و دربند مقبولیت تصنعی و توهماتی از این قبیل گرفتار نسازد.

در یکی از روایات، ذکر شده است که در زمانی که بین دو نفر از اهل مدینه خصومتی پدید آمد که بسیار پرخطر بود، در خدمت امام صادق علیه السلام قرار گرفتیم. ایشان فرمودند: هرگاه قصد هلاک دشمنی را داشتید، میان قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دو رکعت یا چهار رکعت نماز بخوانید. همچنین، اگر در مدینه نیستید، می‌توانید در خانه‌هایتان نماز بخوانید و از خداوند درخواست کنید که به شما کمک کند^۲ (ابن باویه، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۵۵۹).

در داستان حضرت یوسف علیه السلام، ایشان می‌خواست برادرش را در مصر نگه دارد و در کار

۱. فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ.

۲. کانت بینی و بین رجل من أهل المدينة - خصومة ذات خطر عظیم فدخلت علی أبی عبد الله علیه السلام فذکرت له ذلك و قلت علمنی شیئاً لعل الله یرد علی مظلمتی فقال إذا أردت العدو فصل بین القبر و المنبر رکعتین أو أربع رکعات و إن شئت ففی بیتک و اسأل الله أن یعینک و خذ شیئاً مما تیسر فتصدق به علی أول مسکین تلقاه قال ففعلت ما أمرنی ففضی لی و رد الله علی أرضی.

خود پافشاری کرد؛ اما فرمان الهی بود که برادران باید نادیده گرفته شوند. در این مرحله، حضرت یوسف گفت: پناه بر خدا که ما غیر از آن کس که متاع خود را نزد او یافته‌ایم بگیریم؛ در آن صورت، از ظالمان خواهیم بود^۱ (سوره یوسف، آیه ۷۹). ایشان به خدا پناه برده و از آنکه به جز کسانی که متاع خود را پیدا کرده‌اند، دیگران را نگیرند، اجتناب کرده‌اند. این نشان می‌دهد که در تعارضات بین افراد، مهم‌ترین مسئله، خواست خداوند است نه خواست مردم. بنابراین، باید به خداوند پناه برد و از او در این موضوع کمک بخواهیم (سوره یوسف، آیه ۱۸).

اعتقاد به خدا تأثیر زیادی بر نگرش انسان به زندگی دارد و در موقعیت‌های خاصی، نحوه عمل انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برداشت و تصویر افراد از خدا، بر معنایابی زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (آذربایجانی و شجاعی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۰). در آموزه‌های اسلام، معیار مهم در هر کاری، حق است (کلینی، ۸، ۶۸). به عبارت دیگر، در انجام کارها باید به حق بودن آن‌ها توجه کرد. در زمانی که بحث به اجرای منصفانه حقوق دیگران می‌رسد، مفهوم «حق» بیشتر از اینکه فقط یک معیار باشد، به معنای گسترده‌تری به کار می‌رود^۲ (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۲۱۶).

در حل تعارضات، باید به جای ظلم، به حق رجوع کرد. در یک حادثه، دو مرد در حضور امام صادق علیه السلام درگیری داشتند و ایشان فرمودند: «باید از زورگویی خودداری کنید؛ زیرا هر کسی که با استفاده از زور غلبه یابد، پیروزمند نیست. همچنین هیچ‌کس نباید به دلیل بدی کردن به مردم، از بدی مردم ناراحت شود» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۸). بنابراین، ارباب و تهدید به منظور حل تعارضات، موجب بهبود وضعیت نخواهد شد. با توجه به اینکه خداوند هر زورگو و ستمگری را نابود می‌کند، از تحکم و اجبار بر بندگان خدا باید پرهیز کرد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۷۰). همچنین، نباید به مردم بگوییم که ما فرمان داده‌ایم و آن‌ها باید اطاعت کنند؛ زیرا این رویه منجر به خشم و نارضایتی مردم می‌شود. به عبارت دیگر، باید از اجبار و اکراه در انجام کارها پرهیز کنیم (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۵۳). امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید که وقتی دل انسان از روی اجبار به انجام کاری وادار می‌شود، او کور می‌شود. در نامه‌ای به مالک اشتر، ایشان هشدار داده‌اند که در مسند

۱. قَالَ مَعَادَ اللَّهِ أَنْ تَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِنْدَهُ، إِنَّا إِذَا نَظَرْنَا

۲. امام علی علیه السلام: فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاضُّعِ فِي التَّنَاضُّفِ.

قدرت، رفتار بهتری نسبت به زیردستان خود داشته باشد تا از تبعیض و بدی کردن به آنان خودداری کند (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۳۵). از همین رو اگر کسی به ما بدی کرد باید پاسخ متناسب بدهیم و از حق فاصله نگیریم^۱ (سوره نسا، آیه ۱۵۰ و ۱۵۱).

ب- مبانی بیرونی

برای حل تعارض در روابط بین فردی، علاوه بر مبانی درونی، نیاز به درک مبانی بیرونی نیز داریم. این مبانی بیرونی شامل ویژگی‌های فردی، ارزش‌ها و فرهنگ در ادبیات اسلامی است. ارزش‌های هر فرد یا جامعه تأثیر مستقیمی بر چگونگی حل تعارض دارد. برای حل تعارض در روابط بین فردی، نیاز به درک و شناخت مبانی درونی و بیرونی داریم و با استفاده از این شناخت، می‌توانیم به دنبال راهکارهایی برای حل تعارضات باشیم.

۱- لزوم حفظ انسجام بین فردی

خداوند متعال صرف‌نظر از تنوع خلق انسان‌ها در عرصه قومی، نژادی، زبانی و... از بروز اختلاف میان مردم بر حذر داشته و همیشه تأکید بر رفع اختلاف میان مردم داشته است. برای این کار، مؤمنین را برادر یکدیگر معرفی کرده (سوره حجرات، آیه ۱۰) و به آن‌ها گوشزد کرد که «شما امتی واحد و یکپارچه هستید و من پروردگار شمایم، پس مرا بپرستید»^۲ (سوره مؤمنون، آیه ۵۲). همچنین انسان‌ها را به لزوم حفظ انسجام دعوت کرده و خاطرنشان می‌سازد که برادری نعمتی است که با پذیرش دین از سوی پروردگار به آن‌ها عطا شده و انسان‌ها باید قدردان این برادری باشند «و همگی به وسیله حبل خدا خویشان را حفظ کنید و متفرق نشوید و نعمت خدا بر خویشان را به یاد آرید. به یاد آرید که با یکدیگر دشمن بودید و او بین دل‌های شما الفت برقرار کرد و در نتیجه به نعمت او برادر شدید؛ و درحالی‌که بر لبه پرتگاه آتش بودید، او شما را از آن پرتگاه نجات داد. خدای تعالی این چنین آیات خود را برایتان بیان می‌کند تا شاید راه پیدا کنید» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳).

در داستان حضرت موسی علیه السلام وقتی که از کوه طور بازگشت و قوم خود را منحرف دید، هارون را زیر سؤال برد و به شدت و عصبانیت سخنی را با برادرش گفت و بر او فریاد می‌زد،

۱. إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا.

۲. وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون.

درحالی‌که ریش و سر او را گرفته بود. هارون بیان می‌دارد: «ای فرزند مادرم... من ترسیدم بگویی تو میان بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی و سفارش مرا مراعات نکردی»^۱ (طه، ۹۴). اگر می‌خواستیم آنها را از پرستش گوساله جلوگیری و مقاومت کنیم هرچند به هر جا که خواست منجر شود، مرا جز عده مختصری اطاعت نمی‌کردند و این باعث می‌شد که بنی‌اسرائیل دودسته شوند، یکی مؤمن و مطیع و دیگری مشرک و نافرمان. و این دودستگی باعث می‌شد که وحدت کلمه‌شان از بین برود و اتفاق ظاهری‌شان جای خود را به تفرقه و اختلاف بسپارد و چه بسا کار به کشتار هم می‌انجامید. لذا به یاد سفارش تو افتادم که مرا دستور به اصلاح دادی و فرمودی: «أَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ». لذا ترسیدم وقتی که برمی‌گردی تفرقه و دودستگی قوم را ببینی و اعتراض کنی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ج ۱۴، ص ۱۹۴).

در تعارضات بین افراد، باید به مسئله وحدت توجه کرد. حفظ وحدت، مهم‌تر از نجات هر گروهی است. خطر تفرقه در یک امت، حتی پیامبرانی مانند هارون را نیز می‌ترساند (قرآن، ۵، ص ۳۸۱). لذا باید در انتخاب سبک‌ها به مسئله‌ اهم و مهم توجه کرد.

گاهی اوقات، خود انسان با اقداماتی تعارضات را به وجود می‌آورد. هر کس خود را در موقعیت‌هایی که تهمت انگیزند قرار دهد، نباید کسی را که به او بدگمان شده است، ملامت کند (مجلسی، ج ۷۲، ص ۹۱). در اسلام، پرهیز از گمان بد و حمل فعل برادر مسلمان بر صحت، به شدت تأکید شده است. با این حال، طبیعت جمعیت این است که از قرائن کوچک تراشیده، ناگهان موج بدبینی برمی‌خیزد و شاید صحنه‌ای تاریک و ناراحتی آور را فراگیرد. به همین دلیل، در کنار پرهیز از گمان بد، افراد باید خود را در مواقع سوءظن و تهمت قرار ندهند.

خداوند در قرآن تأکید دارد کسانی که به دنبال بی‌آبرو کردن مؤمنان هستند عذابی دردناک خواهند داشت (سوره نور، آیه ۹). همچنین، غیبت کردن را همانند خوردن گوشت برادر مرده، ناپسند و قبیح می‌داند (سوره حجرات، آیه ۱۲). انسان نباید دیگران را به دید حقارت بنگرد که خدا را حقیر شمرده است. مؤمن از موقعیت‌های شبهه‌انگیز پرهیز می‌کند مانند ایستادن شبهه‌انگیز با مادرش در کنار جاده (به صورت تهمت برانگیز)، چه بسا همه او را نمی‌شناسند و ممکن است او را متهم کنند^۲ (مجلسی، ج ۷۲، ص ۹۱). سزاوارترین مردم به

۱. قَالَ يَا بَنِ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي.

۲. اتَّقُوا مَوَاقِفَ الرِّيبِ وَلَا يَفْقَهُ أَحَدُكُمْ مَعَ أُمَّهِ فِي الطَّرِيقِ فَإِنَّهُ لَيْسَ كُلُّ أَحَدٍ يَعْرِفُهَا.

اتهام کسی است که با افراد متهم هم نشین گردد (همان، ج ۷۲، ص ۹۰). در منابع اسلامی، به تأکید بر این نکته پرداخته شده است که مؤمن نباید وسایل ذلت خود را فراهم سازد و خود را در معرض اتهام و تعارضات بین فردی قرار دهد؛ زیرا مؤمن عزیز است و به هیچ وجه نباید خود را در معرض ننگ و تحقیر قرار دهد. به عبارت دیگر، مؤمن از کوه محکم تر و پرصلاطت تر است؛ چراکه کوه را با کلنگ‌ها می‌توان سوراخ کرد؛ اما هیچ کس نمی‌تواند دین مؤمن را بکند (نور الثقلین، ج ۵، ص ۳۳۶). سزاوار نیست مؤمن خود را ذلیل کند و دست به کاری بزند که توانش را ندارد و بدین سان خود را خوار و سرافکنده می‌کند (کافی، ج ۵، ص ۶۳).

۲- تفاوت‌های فردی

در آیاتی از قرآن، گرایش اولی انسان به ناسازگاری و خشم است. به این معنا که در زمانی که با بدبختی و بدی روبرو می‌شود، به شدت ناراحت و ناامید می‌شود؛ اما به عکس، وقتی با خیر و نعمت روبرو می‌شود، خوشحال و مبتهج می‌شود^۱ (سوره معارج، آیات ۱۹ تا ۲۲). با این حال، برخی از اندیشمندان با توجه^۲ معتقدند که فطرت انسان خیر و طبع اولی او خواهان خیر و کمال و رشد است. به عبارت دیگر، انسان به طور طبیعی به خیر و نیکی راغب است و بیشتر انسان‌ها این را نمی‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، صص ۱۲۷ و ۱۲۹). از این رو، نمی‌توان یک حکم کلی درباره تمام انسان‌ها صادر کرد؛ زیرا انسان‌ها متفاوت هستند و در برخی موارد، عوامل خیر قوی‌تر بوده و در سرشت برخی، تمایل به شر بیشتر است.

با اینکه در برخی آیات (سوره معارج، آیات ۱۹ تا ۲۲) تعبیر شده که گرایش اولی انسان به ناسازگاری است؛ اما اندیشمندان با توجه به آیه^۳ (سوره روم، آیه ۳۰) معتقدند فطرت انسان، خیر و طبع اولی او خواهان خیر و کمال و رشد است. به عبارت دیگر، انسان به طور طبیعی به خیر و نیکی راغب است و بیشتر انسان‌ها این را نمی‌دانند. از این رو، نمی‌توان یک حکم کلی

۱. لَا يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُدَلَّ نَفْسُهُ قَبْلَ لَهُ وَ كَيْفَ يُدَلَّ نَفْسُهُ قَالَ يَتَعَرَّضُ لِمَا لَا يُطِيقُ.

۲. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جُرُوعاً وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ.

۳. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.

۴. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.

درباره تمام انسان‌ها صادر کرد؛ زیرا انسان‌ها متفاوت هستند و در برخی موارد، عوامل خیر قوی‌ترند و در سرشت برخی، تمایل به شر بیشتر است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، صص ۱۲۷ و ۱۲۹).

درباره آفرینش انسان، حضرت علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید: انسان دارای نیروهای عقلانی است که او را در جهات مختلف به حرکت وامی‌دارد، فکری که به وسیله آن در موجودات مختلف تصرف می‌کند و اعضایی که برای خدمت به کار می‌گیرد و ابزاری که برای انجام مقاصدش آن‌ها را زیورور می‌کند. انسان همچنین دارای شناختی است که به وسیله آن، حق را از باطل جدا می‌کند و طعمه‌های مختلف، بوه‌ها و رنگ‌ها و اجناس مختلف را از یکدیگر بازشناسی می‌کند. این در حالی است که او از ترکیبی از رنگ‌های مختلف و اجناس همسان و نیروهای متضاد و خلط‌های مختلف از حرارت و برودت و رطوبت و خشکی به وجود آمده است (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۱).

درآیات متعددی از قرآن، به مسئله تفاوت‌های فردی در جهان اشاره شده است. می‌توان گفت از منظر قرآن وجود تفاوت یکی از اصول خلقت و آفرینش جهان و اسلام است^۱ (سوره حجرات، آیه ۱۳). انسان‌ها به گونه‌ای خلق شدند که متفاوت بوده و این تفاوت‌ها برای شناخت بین انسان‌ها مهم هستند. در همین زمینه امیرالمؤمنین علیه السلام رمز بقای جهان را وجود تفاوت‌ها دانسته و می‌فرماید: انسان‌ها همواره در راه نیکی و رستگاری هستند؛ مادام که متفاوت با آن‌ها برخورد شود و هرگاه مساوی با آن‌ها برخورد شود هلاک می‌شوند^۲ (مجلسی، ج ۱۷، ص ۱۰۷). اگر همه یک اندازه بودند، اگر همه از یک جنس بودند، اگر همه دارای یک هوش بودند و اگر همه یک سلیقه داشتند، جهان نمی‌توانست باقی بماند.

خداوند انسان را در انحای گوناگون آفریده است^۳ (سوره نوح، آیه ۱۴). این نوع بیان خداوند علاوه بر اشاره به تفاوت‌های فردی، به کیفیت میان مراحل مختلف رشد هر فرد نیز دلالت دارد. به عبارت دیگر، هر فرد در مراحل مختلف رشد خود، تفاوت‌هایی با دیگران دارد که این تفاوت‌ها می‌توانند به عوامل مختلفی از جمله وراثت، محیط، شرایط زندگی و تجربیات شخصی بستگی داشته باشند. لذا، تفاوت‌ها در مراحل رشد، از جمله ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد هر فرد است.

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.

۲. لا يزال الناس بخير ما لم يفلتوا.

۳. وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا.

اصل تفاوت فردی را می‌توان از مبانی فقهی و حقوقی بین دو جنس مذکر و مؤنث نیز استنباط کرد. بر اساس مبانی فقهی، زمان مکلف شدن دختر و پسر به تکالیف عبادی متفاوت است که حکایت پذیرش این اصل می‌کند. همچنین وقتی آموزه‌های دینی درباره چگونگی تعامل با فرزند پسر و دختر دستورالعمل‌های خاصی صادر کرده است نشانگر تأیید و تأکید بر اصل تفاوت‌های فردی در قلمرو فرزند پروری دو جنس و ضرورت توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی دختر و پسر است.

۳- مطلوبیت صلح

در اندیشه اسلامی، اصل بر روی رفتارهای برادرانه، صلح‌آمیز و آشتی در جامعه است. در بیشتر موارد، توصیه اسلامی بر آشتی و صلح در جامعه است و اطلاق آیه «الصلح خیر» این موضوع را تأیید می‌کند. با این حال، در برخی موارد، اگر از دستورات الهی نافرمانی شده باشد و بخشش به دین لطمه بزند، از نرمش منع شده است. مثلاً در روایتی بیان شده که اگر خادم شما به دستورات خدا نافرمانی کند، می‌توانید او را تنبیه کنید؛ اما اگر او به دستورات شما نافرمانی کند، بهتر است مسامحه کنید (تممی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۳۷). به امام عرض شد: کسی که برای من حق نمی‌شناسد، برایش حقی قائل باشم؟ فرمود: نه، هیچ احترامی قائل نشو (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱، ص ۱۷۸).

همچنین اگر در مواردی حقی ضایع شود، بخشش بهترین راهکار نیست. در سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره شده است هر که در خصومت و ستیز زیاده‌روی کند، به گناه درافتد و هر کس کوتاه آید، به او ستم شود (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، حکمت ۲۹۸). حق کسی که به تو بدی کند، این است که از او درگذری؛ اما اگر دانستی که گذشت از او زیان‌بار است، آنگاه انتقام بگیر و بر کسانی که پیش از ستمی که بر آن‌ها رفته باشد انتقام می‌گیرند، ملامتی نیست (ابن بابویه، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۵۶۴).

۴- آخرت‌گرایی

در سوره نسا، خداوند متعال شرطی برای حل تنازعات بین افراد در نظر گرفته است و آن ایمان به آخرت است که در آیه ۵۹ این سوره ذکر شده است. شیوه نگرش انسان به دنیا و آخرت، نقش مهمی در انتخاب روش‌های حل تعارض در روابط بین افراد دارد. انسان در جست‌وجوی مطلوب نهایی است؛ اما مفهوم این مطلوب برای همه افراد یکسان نیست.

برای حل تعارضات، دیدگاه ما نباید به عملکرد در دنیای جاری محدود شود؛ بلکه نگاه اخروی نیاز است. زندگی دنیا ابزاری برای شکل دادن به نوع زندگی آخرت است^۱ (سوره غافر، آیه ۳۹). اگر انسان در این دنیا ناسازگاری داشت باید در آخرت پاسخگو باشد؛ بلکه کسانی که مرتکب گناه شدند و آثار گناه، سراسر وجودشان را فراگرفت، آنان اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اهل بهشت‌اند و در آن جاودانه‌اند^۲ (سوره بقره، آیه ۸۱ و ۸۲ و سوره نسا، آیه ۱۲۳ و ۱۲۴)

ایمان به آخرت، نوعی آمادگی در فرد ایجاد می‌کند تا اندیشه‌ها، انگیزه‌ها و رفتارهای خود را به دقت ارزیابی، جهت‌دهی و کنترل کند، از اعمال نامطلوب و نزاعات بپرهیزد و همواره در راه نیکی قدم بردارد تا سعادت خود را تأمین کند (بشیری، ۱۳۹۸، ص ۱۳۱).



نتیجه‌گیری

شناخت درست هر علمی، بر پایه شناخت شالوده‌ها، اصول و مبانی آن استوار است. نتایج

۱. إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ

۲. بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

پژوهش نشان می‌دهد که ارائه راهکار و تکنیک برای حل تعارض بدون توجه به مبانی، محقق را دچار چالش خواهد کرد. آموزه‌های دینی نوعی نگرش را در انسان به وجود می‌آورد که نحوه مواجهه او با ناسازگاری تحت تأثیر قرار داده و اگر الگوی سبک‌ها بر اساس مبانی اسلامی نباشد، باورهای مذهبی فرد را نادیده گرفته و سلامت روان او را به خطر می‌اندازد.

هدف این پژوهش پاسخ به این پرسش بود: بر اساس اندیشه اسلامی، مبانی حل تعارض در روابط بین فردی چیست؟ نتایج تحقیق نشان داد که شناخت ما از انسان تنها با بازگشت به کلام خداوند، خالق چنین موجودی که از تمام جوانب وجودی آگاه‌تر است، ممکن است. با توجه به دیدگاه اسلامی، مبنا به معنای استوانه‌هایی است که باید برای حل تعارض به آن‌ها مراجعه کنیم تا راه‌حلی پذیرفتنی برای حل تعارض بر اساس اصول اسلامی به دست آوریم.

هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال بود که: بر اساس اندیشه اسلامی، محقق برای حل تعارض در روابط بین فردی، چه مبانی باید در نظر داشته باشد؟ نتایج تحقیقات حاکی از آن است که دو مبنای درونی و بیرونی در هر فرد مؤثر است. مبانی درونی هر فرد، ارزش‌ها، انتظارات و نگرش‌ها، در ایجاد تعارض و انتخاب مکانیک‌های خاتمه دادن به تعارض مؤثر است و مبانی بیرونی، ارزش‌های بیرونی افراد، پذیرش ناسازگاری و نوع مواجهه فرد را جهت می‌دهد.

تعارضات در جهان، امری طبیعی و اجتناب‌ناپذیر هستند که ممکن است به دلیل تأثیر شیطان، گناه و تقصیرات انسان‌ها رخ دهند. نزاع میان حق و باطل دائمی است و نباید انتظار داشت که همه مردم منطق شما را بپذیرند؛ از همین رو، حل تعارض و پیوند زدن قلوب افراد، کار آسانی نیست. اسلام با پذیرفتن گرایش‌های متضاد درون انسان اشاره دارد انسان از دو اصل (مادی و روحانی) آفریده شده است که باعث به وجود آمدن تضاد درونی در انسان می‌شود. انسان دارای قابلیت پیشرفت و کمال است و اگر به سمت ارتقای روحانی خود حرکت کند، ارزش بی‌حدی دارد. با این حال، تعارض در بین گرایش‌های مختلف درون انسان و تعارض با فردی دیگر می‌تواند باعث سقوط انسان شود.

انسان به دنبال تحقق کمال خود می‌گردد و این علاقه به کمال خود، یعنی حب ذات، سبب می‌شود که انسان تأمین نیازهای خود را بر نیازهای دیگران مقدم شمرده و حتی برای رسیدن به اهدافش، از دیگران استفاده کند. جریان حب ذات می‌تواند در هر فردی اتفاق افتد؛ اما شدت و ضعف آن بسته به سرشت هر انسان و تفاوت‌های فردی است. وجود حب

ذات در بستر اجتماع می‌تواند باعث ایجاد بستر نزاع و اختلاف شود. با وجود گرایش متعارض درون انسان و اینکه افراد خودشان بر دیگران ترجیح می‌دهند؛ اما انسان باید بداند که قرار نیست همه نیازها و اهداف او در آن دنیا برآورده شود. گاهی انسان با تمام توانمندی‌هایش، برای تأمین نیازهای خود می‌ماند. دنیا سرایی است که در آن، بلا و گرفتاری‌های ناشناخته وجود دارد و زندگی در آن نکوهیده است. امنیت و آسایش در آن یافت نمی‌شود و دنیا سرای رنج و زحمت، آکنده از مصیبت‌ها و پیشامدهای ناگوار است. از این رو خداوند متعال برای کنترل ناسازگاری و تعارض به انسان، خودمهارگری را عطا کرده است. خودمهارگری، افراد را قادر می‌سازد که با مهار ارادی خود بر روی ابعاد فردی و اجتماعی زندگی خود، کنترل داشته باشند و بر تبعیت از عقل در برابر هوای نفس تأکید شده است.

انسان به وسیله قوه مهارگری، هنگام تعارض بین فردی باید آن را بر اساس تعلیمات خداوند و رسولش حل کند. برای حل تعارضات، باید به جای ظلم به حق رجوع کرد و از ارباب و تهدید در راه حل تعارضات استفاده نکرد. همچنین، باید از اجبار و اکراه در انجام کارها پرهیز کرد و در رفتار با دیگران، به حقوق آنان احترام گذاشت. اینکه به وقت نزاع با اجبار پیروز شویم و با ظلم و بدی نزاع را خاتمه دهیم موردپسند دین نیست.

علاوه بر مبانی درونی در روابط بین فردی، ارزش‌هایی در ادبیات اسلامی است که تأثیر مستقیمی بر چگونگی حل تعارض دارد. آنچه در رفتار در مورد روابط بین فردی باید موردتوجه قرار گیرد، حفظ وحدت است. حفظ انسجام در جامعه و رفع اختلافات بین مورد تأکید اسلام است. دین اسلام با هشدار خطر تفرقه اشاره می‌کند که انسان نباید با اقداماتی تعارضات را به وجود بیاورد و باید خود را در مواقع سوءظن و تهمت قرار ندهد. اینکه من نباید رفتار خلاف اتحاد انجام دهم دلیلی نیست بر اینکه بگوییم مطلق صلح در اسلام خیر است. بله، صلح و آشتی در روابط صریحاً تأکید شده است. باین حال، در صورت نافرمانی به دستورات الهی و نیز در صورتی که حقی ضایع شود، بخشش و صلح بهترین راهکار نیست. از جمله مواردی که در حل تعارض باید توجه داشت، تفاوت‌های فردی است. این اصل، موجب می‌شود که هر انسانی هنگام ناسازگاری، سبکی غیر از دیگری را با توجه به ویژگی‌هایش انتخاب کند. باید در نظر داشت که انحصار سبک‌های حل تعارض بدون در نظر داشتن تفاوت‌های فردی موردپذیرش نیست. اگر قرار بود همه انسان‌ها یک اندازه و یک جنس و سبک داشته باشند که جهان نمی‌توانست باقی بماند. به علاوه، ایمان به آخرت

نیز می‌تواند در حل تنازعات بین افراد نقش مهمی داشته باشد و نگاه انسان به دنیا و آخرت باید در این باره کمک‌کننده باشد. همچنین ایمان به آخرت می‌تواند فرد را به ارزیابی و کنترل رفتارهای خود تشویق کرده و در پیشگیری از اعمال نامطلوب و نزاعات کمک کند.

منابع

- قرآن کریم
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). *خصال شیخ صدوق*، تهران، کتابچی.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). *تحف العقول*، قم، چاپ دوم، جامعه مدرسین.
- اشرفی، امیررضا، محمدامین میقانی (۱۳۹۹). *نیازهای متعالی انسان از نگاه قرآن*، معرفت، بهمن، شماره ۲۷۸.
- آذربایجانی، مسعود و امیر قربانی (۱۳۹۵). *روانشناسی، دین و معنویت*، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
- آذربایجانی، مسعود و شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۳). *روان‌شناسی در نهج‌البلاغه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشیری، ابوالقاسم (۱۳۹۸). *مبانی الهیاتی در روانشناسی اسلامی*، اسلام و روانشناسی، س سبزه، ش بیست و پنج.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *نهج‌الفصاحه*، ۲ جلد، تهران، انتشارات جاویدان.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰ ق). *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، چاپ دوم.
- جلیل باباپور خیرالدین (۱۳۸۵). *بررسی رابطه بین شیوه‌های حل تعارض ارتباطی و سلامت روانشناختی دانشجویان*، دوره ۱، شماره ۴.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷). *مبانی علوم انسانی از دیدگاه علامه مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- حسین‌زاده، محمد (۱۳۹۳). *مبانی معرفت‌شناختی علوم انسانی در اندیشه اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- خدایاری فرد، محمد و پرند، اکرم (۱۳۸۶). *استرس و روش‌های مقابله با آن*، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دمشق، چاپ اول.
- رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۵). *روانشناسی مهار خویش با نگرش به منابع اسلامی*، قم، مؤسسه امام خمینی علیه السلام.

- سبحانی نیا، محمد تقی (۱۳۹۲). *وفتار اخلاقی انسان با خود*، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۹۳). *مبانی علوم انسانی*، تهران، آفتاب توسعه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ ق). *نهج البلاغه (للصیحی صالح)*، چ اول، قم.
- شکرشکن، حسین و غلامرضا نفیسی، فرهاد ماهر، علی محمد برادران رفیعی (۱۳۹۲). *مکتب‌های روانشناسی و نقد آن*، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۲). *نهایه الحکمه*، قم، جماعه المدرسین بقم المشرفه، موسسه النشر الاسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۲۰ جلد، لبنان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عثمان نجاتی، محمد (۱۳۸۱). *قرآن و روان‌شناسی*، ترجمه عباس عرب، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- عسگری، پرویز، سحر صفرزاده (۱۳۹۳). *رابطه تنظیم هیجانی و اعتقادات مذهبی با راهبردهای حل تعارض با والدین در دانشجویان*، روان‌شناسی و دین، شماره ۲۵.
- فیاض، ایراندخت، مرضیه کریمی (۱۳۸۹). *بررسی مهارت‌های ارتباطی بین فردی در سیره معصومان علیهم‌السلام*، تربیت اسلامی، شماره ۱۰.
- فیست، جس و گریگوری (۱۳۸۶). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر روان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- گرینبرگ، جرالدا. اس (۱۳۸۷). *کنترل فشار روانی*، ترجمه محسن دهقانی، تهران، رشد.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت.
- مزلو، ابراهام اچ (۱۳۷۲). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۶). *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۶). *خودشناسی برای خودسازی*، چ ۱۳، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۸). *رستگاران، نگارش نادری قمی*، چ ۳، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، ۲۸ جلد، چ ۱۰، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- میرکمالی، سیدمحمد، ۱۳۷۱. *مدیریت تعارض*، دانش مدیریت، شماره ۱۹.

- VandenBos. Gary R (2013) American Psychological Association (APA), United States of America.
- E. O. Acevedo & P. Ekkekakis, “The transactional Psychological nature of cognitive appraisal during exercise in environmentally stressful conditions”, *Psychology of Sport and Exercise*, v 2.
- Schermerhorn Jr, John R. James G. Hunt, Richard N. Osborn, Mary Uhl-Bien (2010), *Organizational Behavior*, John Wiley & Sons, Inc, America.
- Hellriegel Don, John W. Slocum, Jr, (2012), *Organizational Behavior*, 13th Edition, South-Western Cengage Learning, USA.
- M. Afzalur rahim(2001), *managing conflict in organizations*, third edition, quorum books, westport, connecticut, London.